

# سطحی نگری

نقدی بر برخی روشها و نگرشهای سطحی نگرها

علی شالچیان نافور

میرزا محمد شالچیان ناظر، علی، ۱۳۴۹ -

عنوان: پدیدآور: سطحی‌نگری: نقدی بر برخی روش‌ها و  
نگرش‌های سطحی‌گر، / مولف علی شالچیان ناظر.

مشخصات نشر: تهران: سلوک ما، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۵ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-622-95324-2-3 ۵۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه

عنوان دیگر: نقدی بر برخی روش‌ها و نگرش‌های سطحی‌نگرها.

موضوع : عرفان -- مطالب گوناگون

Mysticism -- Miscellanea : موضوع

معنویت -- مطالب گوناگون : موضوع

Spirituality -- Miscellanea. : موضوع

BP۲۸۶ : رده بندی کنگره

۲۹۷/۸۲ : رده بندی دیویی

۵۹۶۳۷۱۹ : شماره کتابشناسی ملی



نشانی ناشر: خیابان انقلاب، خیابان نامجو، پلاک ۳۶۵، واحد ۳.

تلفن: ۷۷۵۳۴۱۷۲ و ۰۹۳۳۲۴۲۷۵۲۷

پست الکترونیک: [Solouke\\_ma@yahoo.com](mailto:Solouke_ma@yahoo.com)

نام کتاب: سطح نگار

نویسنده: علی شالچیان ناظر

ناشر: سلوک ما

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: 978-622-95324-2-3

قیمت: ۵۵۰۰۰۰ ریال

تمام حقوق نشر محفوظ است.

فهرست مطالب

پیشگفتار: ۱۷

- نقدی بر برخی روش‌ها و اشعارهای سطحی‌نگرها: ۲۳
- ۱- افراد سطحی‌نگر اغلب، خواهی یا ناخواسته به روش و باور و نگرشی تمایل پیدا می‌کنند که آرامش درونی ایشان در آن است: ۲۳
- ۲- افراد سطحی‌نگر گرفتار مطلق‌انگاری در آن‌ها در حالی که هیچ چیز در جهان، مطلق نیست: ۲۴
- ۳- افراد سطحی‌نگر به حقیقت و باطن امور توجه ندارند: ۳۱
- ۴- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که خداوند برخی چیزها و برخی عقاید را پنهان کرده است: ۳۲
- ۵- افراد سطحی‌نگر یا به طور کلی، کهنه‌پرست‌اند و یا به طور کلی، نو‌پرست‌اند: ۳۳
- ۶- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که خداوند هر کاری را ممکن است اراده کند که انجام دهد، هر چند مخالف حکمت و نفس‌الامر باشد: ۳۶

## سطحی‌نگری

- ۷- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که دخالت در کار خداوند و در خلقت خداوند جایز نیست: ۳۹
- ۸- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که اگر خداوند بخواهد، کاری را انجام دهد، بدون اسباب نیز آن کار را انجام می‌دهد: ۴۷
- ۹- افراد سطحی‌نگر سخن هر کسی را بدون توجه به زمان و مکانی که آن سخن بیان شده است، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهند: ۴۸
- ۱۰- افراد سطحی‌نگر بدیهی‌انگاری و پیش‌داوری دارند: ۴۹
- ۱۱- افراد سطحی‌نگر فکر و ذکرشان تنها ثواب اعمال و دور ماندن از عذاب عقاب است: ۵۱
- ۱۲- افراد سطحی‌نگر نیت را نتیجه را مهم‌تر از روش می‌دانند: ۵۵
- ۱۳- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که یک یا چند عامل معین و محدود در تحقق پدیده‌های جهان دخالت دارند: ۵۸
- ۱۴- افراد سطحی‌نگر امور جهان و پدیده‌های آن را مجموعه نمی‌بینند: ۶۰
- ۱۵- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که تأثیرات یک مجموعه برابر با مجموع تأثیرات اجزای آن مجموعه است: ۶۵
- ۱۶- افراد سطحی‌نگر، بر اساس سطحی‌نگری، می‌پندارند که تمام ویژگی‌های کل و تمام ویژگی‌های مجموعه در جزء وجود دارد: ۶۶
- ۱۷- افراد سطحی‌نگر امور این جهان را به امور طبیعی و فوق طبیعی تقسیم می‌کنند: ۶۸

- ۱۸- تخیل خلاق در افراد سطحی نگر ضعیف است: ۶۹
- ۱۹- افراد سطحی نگر به آسانی و بدون دلیل معتبر، تحت تأثیر سخنان اکثریت قرار می گیرند: ۷۳
- ۲۰- افراد سطحی نگر به جای اینکه ابتدا در مورد صحت امری تحقیق کنند، با اتکا به این که وجودش فایده دارد، حکم می کنند که آن حتما وجود دارد: ۷۵
- ۲۱- افراد سطحی نگر تصورات و پندارهای غلط و سطحی از خدا دارند و خالق را جدا از مخلوق و بیرون از مخلوق می دانند: ۷۷
- ۲۲- افراد سطحی نگر پندارهای نادرستی از کشف و شهود دارند: ۸۲
- ۲۳- افراد سطحی نگر حالت خلوت را در احکام تکوینی و احکام تشریعی به طور کلی، بی تأثیر می دانند: ۸۴
- ۲۴- افراد سطحی نگر بسیاری از اوقات بر اشتباهات سطحی از متون دینی دارند: ۸۷
- ۲۵- افراد سطحی نگر به این نکته توجه ندارند که همه آیات، روایات بلکه همه متون دینی و معنوی تأویل دارند: ۸۷
- ۲۶- افراد سطحی نگر فقط خودشان و گروه خودشان را قبول دارند: ۱۰۳
- ۲۷- افراد سطحی نگر اهل برچسب زدن هستند: ۱۰۴
- ۲۸- افراد سطحی نگر در موارد متعددی، اجازه پرسشگری و مطرح کردن اشکال را به مخاطب نمی دهند: ۱۰۸

## سطحی‌نگری

۲۹- افراد سطحی‌نگر نقطه‌نظرها و دیدگاه‌های خود را به دیگران تحمیل می‌کنند: ۱۰۶

۳۰- افراد سطحی‌نگر بر این باورند که ممکن است احکام صحیح با اصول اخلاقی منافات داشته باشد: ۱۰۷

۳۱- افراد سطحی‌نگر برای عقل و استدلال عقلی، در استنباط احکام و امور اعتدالی به هیچ وجه، ارزش و اعتباری قائل نیستند: ۱۱۱

۳۲- افراد سطحی‌نگر بر این باورند که نیازی به کشف و شهود نیست: ۱۱۵

۳۳- افراد سطحی‌نگر میل به فرقه‌گرایی و فرقه‌سازی دارند: ۱۲۷

۳۴- افراد سطحی‌نگر می‌گویند که همه مردم دیدگاه‌های یکسانی داشته باشند: ۱۲۹

۳۵- افراد سطحی‌نگر، چنانچه به استدلال توجه کنند، به اینکه چه کسی فلان سخن را گفته است توجه ندارند: ۱۳۱

۳۶- افراد سطحی‌نگر همه حکایت‌هایی را که در کتاب‌ها و در زبان مردم است بی‌آنکه از نظر سند و دلالت، مورد بررسی قرار دهند، واقعی تلقی می‌کنند و مبنای باورهای خود قرار می‌دهند: ۱۳۴

۳۷- افراد سطحی‌نگر عادت دارند که کلی‌گویی کنند در حالی که سخنان کلی معمولاً سخنانی دقیق نیستند: ۱۳۶

۳۸- افراد سطحی‌نگر شک کردن در مورد صحت باورهای خود را، به طور کلی، بد و ناپسند می‌دانند: ۱۳۸

۳۹- افراد سطحی‌نگر تقوای عملی را با تقوای علمی خلط می‌کنند: ۱۳۹

## فهرست مطالب

- ۴۰- افراد سطحی‌نگر به ظاهر و صورت و قالب هر چیز بیش از جوهره‌اش توجه دارند: ۱۴۱
- ۴۱- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که رؤیای صادقه رؤیایی است که عیناً واقع می‌شود: ۱۴۳
- ۴۲- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که خوشبختی دارای حقیقتی ثابت و مشخص است و ملاک ثابتی دارد: ۱۴۶
- ۴۳- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که انسان در خدمت دین است و انسان برای دین آمده است: ۱۴۷
- ۴۴- افراد سطحی‌نگر بر این باورند که اگر نیت ایشان خوب باشد هرچند روش ایشان غلط باشد، خداوند آن‌ها را در نیت خیرشان یاری می‌کند: ۱۵۰
- ۴۵- افراد سطحی‌نگر بر این باورند که انسان در خدمت نفس و خودباوری به طور کلی غلط است: ۱۵۳
- ۴۶- افراد سطحی‌نگر بر این باورند که بیش و روش آن‌ها - هیچ و کامل است و فقط لازم است که در آن‌ها ثبات قدم داشته باشند: ۱۵۵
- ۴۷- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که درستکاری و اعمال صالح قطعاً سبب ثروت و منافع مادی می‌شود و تبهکاری قطعاً سبب کاهش رزق دنیوی و سبب افزایش مصائب دنیوی می‌گردد: ۱۵۹
- ۴۸- افراد سطحی‌نگر بیشتر از احساسات خود پیروی می‌کنند و کمتر از تعقل و استدلال عقلی بهره می‌برند: ۱۶۰

## سطحی‌نگری

۴۹- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که اعمال مردم فقط تحت تأثیر عقاید ایشان است: ۱۶۳

۵۰- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که افراد باید نقاط ضعف خود را به یکباره ترک کنند: ۱۶۶

۵۱- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که آگاهی به یک موضوع به معنای توانایی بر آن است: ۱۶۷

۵۲- افراد سطحی‌نگر معمولاً به اولویت‌ها توجهی ندارند و همه چیز را در کنار هم می‌خوانند: ۱۶۸

۵۳- افراد سطحی‌نگر ارزی را که معلوم نیست به هم ربط داشته باشند به هم ربط می‌دهند: ۱۷۰

۵۴- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که هر فرد از انگیزه‌ای واحد ناشی شده است: ۱۷۱

۵۵- افراد سطحی‌نگر ایمان را برابر با آگاهی و آگاهی را برابر با یقین می‌دانند: ۱۷۳

۵۶- افراد سطحی‌نگر میان ایمان و متعلقِ ایمان فرقی نمی‌گذارند: ۱۷۴

۵۷- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که هر فکر و خیال تازه‌ای که به ذهن خطور می‌کند و با نگرش دیگران فرق دارد حتماً غلط است: ۱۷۵

۵۸- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که دیدگاه‌ها و سطوح و مراتب نگرش انبیاء و اولیای الهی کاملاً یکسان است: ۱۷۶

- ۵۹- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که انسان‌ها به هنگام تولد با خصائص و ویژگی‌های یکسانی متولد می‌شوند: ۱۷۹
- ۶۰- افراد سطحی‌نگر از ظن و گمان پیروی می‌کنند: ۱۸۰
- ۶۱- افراد سطحی‌نگر سلوک و امور معنوی را امری مجزاً از امور زندگی می‌دانند: ۱۸۱
- ۶۲- افراد سطحی‌نگر بر این باورند که صورت‌های امور معنوی و متصدیان امور دینی نباید مورد نقد قرار گیرند: ۱۸۲
- ۶۳- افراد سطحی‌نگر از مردم هراس دارند: ۱۸۴
- ۶۴- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که سلوک حرکتی بیرونی است: ۱۸۷
- ۶۵- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که دوست داشتن خویش به طور کلی، ناروا است: ۱۸۸
- ۶۶- افراد سطحی‌نگر استقلال در نگرش‌ها و دیدگاه‌های خود ندارند: ۱۹۱
- ۶۷- از ویژگی‌های افراد سطحی‌نگر تعصب‌های قومی و قبیله‌ای است: ۱۹۱
- ۶۸- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که همه حقایق و معارف بشری عالمانی که در گذشته می‌زیسته‌اند کشف شده است: ۱۹۲
- ۶۹- افراد سطحی‌نگر بر اساس استقرای ناقص، از امور جزئی که جهان را تشکیل می‌دهد، استنتاج می‌کنند: ۱۹۳
- ۷۰- افراد سطحی‌نگر ریشه‌کن کردن صفات انسانی را ممکن و در مواردی لازم می‌دانند: ۱۹۴

## سطحی‌نگری

- ۷۱- افراد سطحی‌نگر هستی را از اصل و ریشه، حادث زمانی می‌دانند: ۱۹۵
- ۷۲- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که در تمام هستی، موجودی برتر از انسان وجود ندارد: ۱۹۹
- ۷۳- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که هرچه در این جهان است معنایی واحد و مشخص دارد: ۲۰۳
- ۷۴- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که اراده خداوند ممکن است به آفرینش جهانی بدون هر گونه مابعدیه، تعلق گیرد: ۲۰۴
- ۷۵- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که پیامبران و اولیای الهی قدرتی مطلق و نامحدود دارند: ۲۰۶
- ۷۶- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که آخرت در آینده متحقق می‌شود: ۲۰۸
- ۷۷- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که بهشت و جهنم، و نعمت و عذاب، فقط محدود به نعمت‌ها و عذاب‌های محسوس است: ۲۰۹
- ۷۸- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که در جهان ما، رهنی امور عینی‌اند و برخی ذهنی: ۲۱۰
- ۷۹- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که زیبایی حقیقتی ثابت است: ۲۱۱
- ۸۰- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که اشیاء تأثیرگذاری ذاتی دارند: ۲۱۰
- ۸۱- افراد سطحی‌نگری نگاه ثنوی دارند: ۲۱۲
- ۸۲- افراد سطحی‌نگر به فرق میان کامل و مطلق، توجهی ندارند: ۲۱۴

۸۳- افراد سطحی‌نگر تحت تأثیر آرزوهای واهی و ترس‌ها و امیدهای نابجا و کاذب اند: ۲۱۵

۸۴- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که اسماء الهی صرفاً نام‌هایی هستند که به صفاتی از حضرت حق اشاره دارند: ۲۱۲

۸۵- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که شأن ذاتِ اَحَدِیَّت این است که ذاتِ اَحَدِیَّت به طور مستقیم و بی‌واسطه، بر جهان تأثیر بگذارد: ۲۱۷

۸۶- افراد سطحی‌نگر می‌کنند که تعالیم معنوی و دینی سطحی‌واحد دارند: ۲۱۸

۸۷- افراد سطحی‌نگر با دگرگس "سلح کل" مخالف اند: ۲۲۳

۸۸- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که بیان هر سخنی که در قرآن و در روایات نباشد بدعت است: ۲۲۵

۸۹- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که هر چه جزئیات احکام و سنت‌های شرعی بیشتر باشد پسندیده‌تر است: ۲۳۰

۹۰- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که شیطان موجودی است که در برابر حضرت حق قرار دارد: ۲۳۳

۹۱- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که تعبیر قیامت فقط به یک حقیقت، یک مصداق اشاره دارد: ۲۳۴

۹۲- افراد سطحی‌نگر آب حیات را چشمه‌ای از چشمه‌های روی زمین می‌دانند: ۲۳۷

## سطحی نگری

۹۳- افراد سطحی نگر می پندارند که رفعت حضرت عیسی (ع) رفعت مکانی به آسمان بوده است: ۲۴۱

۹۴- افراد سطحی نگر قضاوت های کلی در مورد افراد و امور مختلف دارند: ۲۴۳

۹۵- افراد سطحی نگر نظام هستی را علت و معلولی می بینند: ۲۴۴

۹۶- افراد سطحی نگر می پندارند که متولدان هر ماه خصوصیات یکسانی دارند: ۲۴۸

۹۷- افراد سطحی نگر به جای اینکه به استدلال کسی توجه کنند به گوینده آن سخن توجه دارند: ۲۵۰

۹۸- افراد سطحی نگر گمان می کنند که دعای لفظی همیشه عیناً اجابت می شود: ۲۵۱

۹۹- افراد سطحی نگر می پندارند که خیال های خوب و مثبت قطعاً موجب تحقق و وقوع آنها می شود: ۲۵۴

۱۰۰- افراد سطحی نگر گمان می کنند که عدالت به معنای رعایت تساوی است: ۲۵۷

۱۰۱- افراد سطحی نگر خواص اذکار را در الفاظ آنها می دانند: ۲۵۹

۱۰۲- افراد سطحی نگر استعمال تعبیری همچون خرابات و مریضی و باد و شاهد و ساقی را در مباحث معنوی جایز نمی دانند: ۲۶۰

۱۰۳- افراد سطحی نگر معناهایی بسیار سطحی از تعبیری همچون خدا و فرشته و جن و بهشت و دوزخ و برزخ و پدر و مادر در نظر دارند: ۲۶۴

## فهرست مطالب

۱۰۴- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که حقیقت محمدیه شخص پیامبر اسلام (ص) است: ۲۶۵

۱۰۵- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که معیت حضرت حق با مخلوقات معیت انضمامی است: ۲۶۸

۱۰۶- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که عارفان وحدت وجودی معتقد به حلول و اتحاد هستند: ۲۷۳

۱۰۷- افراد سطحی‌نگر بر توب کردن نفس را ممکن و پسندیده می‌دانند: ۲۷۳

۱۰۸- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که ولایت عرفانی و ولایت باطنی یک مقام انتصابی است: ۲۷۴

۱۰۹- افراد سطحی‌نگر هدف از خلق ده یگان را یکسان می‌دانند: ۲۷۶

۱۱۰- افراد سطحی‌نگر مدام در حال افلاک تزیین اند: ۲۷۹

۱۱۱- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که فقط بزنگ بر کوچک و کسی که به لحاظ مرتبه، بالاتر است بر کسی که پایین‌تر است تأثیر می‌گذارد: ۲۸۰

۱۱۲- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که اختلاف نظر نامطلوب است: ۲۸۲

۱۱۳- افراد سطحی‌نگر حضرت حق را فقط اثرگذار می‌دانند: ۲۸۰

۱۱۴- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که هدایت در امور معنوی، شئون و خدای و مراتب مختلفی ندارد: ۲۸۶

۱۱۵- افراد سطحی‌نگر می‌پندارند که انجام دادن کارهای خارق العاده و اطلاع از امور پنهانی از نشانه‌های قطعی اولیای الهی است: ۲۸۶

## سطحی نگری

۱۱۶- افراد سطحی نگر امور مشترک را مایه وجود و مایه هویت یافتن

می دانند: ۲۹۱

۱۱۷- افراد سطحی نگر احساس نیاز به رشد و ارتقا و احساس نیاز به تازه شدن

انگیزه ها و باورها و نگرش ها را ندارند: ۲۹۲

و بست منابع: ۲۹۷

www.ketab.ir

## پیشگفتار

به نام حضرت حیّ قیّوم

اگر کسی در حیطه علم تجربی و علوم مهندسی سخنی بگوید یا مطلبی بنویسد که غلط است یا محصول را در اختیار مردم قرار دهد که خوب ساخته نشده است، به زودی اشکال کار را آشکارا می‌شود.

از این رو، در علوم تجربی و مهندسی دین نمی‌باید که افرادی که دانش و تخصص لازم را ندارند دستشان رو می‌شود و نمی‌تواند به مدت طولانی با همان وضعیت، به سخنان خود، یا به کار خود، ادامه دهند؛ اما متأسفانه در علوم انسانی، کسانی که دانش لازم را ندارند و سخنان ایشان آمیخته با اوهام است و با پیش‌فرض، یا با غرض‌ورزی، نظراتی را ارائه می‌کنند به راحتی شناخته نمی‌شوند؛ و چه بسا افرادی که دارای تالیفات بسیارند و از نظر انظار عمومی افرادی متخصص و دقیق و محقق محسوب می‌شوند، اما دانش و تخصص لازم را ندارند و اطلاعاتشان غلط یا سطحی است.

## سطحی‌نگری

این فاجعه در علوم انسانی، مختص به چند دهه گذشته نیست، بلکه متأسفانه قرن‌های متمادی است که این روند ادامه دارد و بسیاری از نویسندگان یکی پس از دیگری، بر اثر تبعیت کورکورانه از یکدیگر و بدون تحقیق و بررسی، سخنان نادرست و غیر تحقیقی یا سطحی را تکرار می‌کنند؛ و دردناک‌تر این است که اگر تحقیقی یافت شود که بخواد با دلیل و استدلال، سخنان ایشان را نقد کند، به سبب تعصب، سخنان وی را نمی‌پذیرند و با او به ستیز و مخالفت برمی‌خیزند؛ در حالی که ما حداقل از افراد تحصیل کرده توقع داریم که تعصب و پیش‌داوری و پیش‌فرض‌ها را کنار بگذارند و نگاهی منصفانه و مبتنی بر استدلال، به موضوعات و مباحث مختلف داشته باشند.

متأسفانه معضلی که در علم انسانی وجود دارد این است که یک محقق در علوم انسانی با وضوح و روشن می‌تواند سخنان و دیدگاه‌های خود را همانند دانشمندان علوم تجربی، به اثبات برساند؛ زیرا صحت و سُقم مطالب در علوم انسانی، در اکثر قریب به اتفاق موارد، قابل آزمایش و سنجش نیست و اغلب فقط می‌توان شواهد و قرائنی را ارائه کرد که این امر را، و قرائن را فقط افراد متخصص - آن هم اگر گرفتار تعصب و پیش‌داوری نباشد - درک می‌کنند؛ و برای بسیاری از افراد، این شواهد و قرائن قابل تشخیص و درک نیست.

مدت‌ها بود که به ذهنم خطور کرده بود که کتابی را به صورت مختصر و مفید و با زبانی ساده، در نقد برخی روش‌ها و نگرش‌های افراد سطحی‌نگر، در حیطه

امور معنوی، بنویسم تا رهنما و چراغ راه کسانی باشد که می‌خواهند در امور معنوی، نگرشی ژرف داشته باشند و از سطحی‌نگرها نباشند.

سرانجام، مجال نگارش این کتاب فراهم آمد. این اثر را تقدیم می‌کنم به همه افرادی که از صمیم جان می‌خواهند که از سطحی‌نگری رها شوند.

البته، پر واضح است که مطالب بسیار زیادی را در تقدیر روش‌ها و نگرش‌های افراد سطحی‌نگر، می‌توان نگاشت؛ اما در اینجا ناگزیر فقط به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهم کرد.

آب دریا را اگر دران کجید \*\*\*\* هم به قدر تشنگی باید چشید  
پیش از اینکه نگارش کتاب را آغاز کنم، لازم می‌دانم که چند نکته را یادآور شوم:

الف - ممکن است کسی در برخی از موضوعات سطحی‌نگر باشد و در برخی موضوعات سطحی‌نگر نباشد. به عنوان مثال، امکان دارد که کسی در فیزیک یا شیمی یا ریاضیات ژرف‌نگر باشد؛ اما در برخی از مباحث معنوی سطحی‌نگر باشد؛ یا ممکن است کسی در برخی از مباحث معنوی سطحی‌نگر نباشد، اما در برخی دیگر از مباحث معنوی سطحی‌نگر باشد.

ب - سطحی‌نگری مراتب مختلفی دارد؛ یعنی ممکن است کسی نسبت به برخی از افراد خاص، سطحی‌نگر محسوب شود، اما نسبت به بسیاری از افراد جامعه، سطحی‌نگر محسوب نشود.

## سطحی‌نگری

ج- برخی از نقدهایی که بر افراد سطحی‌نگر و بر نگرش‌ها و روش‌های آن‌ها بیان خواهد شد با یکدیگر تداخل و همپوشانی دارند، و مصادیق سطحی‌نگری گاهی تحت عنوان موضوعی واحد می‌گنجد؛ اما من به سبب اهمیت این موارد، ترجیح داده‌ام که به صورت جداگانه، به برخی از مصادیق خاص بپردازم.

مطالبی که در این کتاب در نقد روش‌ها و نگرش‌های افراد سطحی‌نگر، تقدیم حضور شما می‌گردد به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف- مطالبی که روش‌های استنباط ایشان را مورد نقد قرار می‌دهد.

ب- مطالبی که متدین‌نگری ایشان را مورد نقد قرار می‌دهد.

ج- مطالبی که به تشریح غلطی استنباط کرده‌اند مربوط است.

در نگاه نخست، به نظر می‌رسد که خوب است مطالب این کتاب در سه بخش مذکور، دسته‌بندی و نگاشته شود؛ اما به دلایلی این کار را انجام نمی‌دهم و از جمله دلایلم این است که برخی از مطالب اعتراضی، نقد روش استنباط است و به اعتباری دیگر، نقد مقدمات فکری سطحی‌نگرها محسوب می‌شود و به اعتباری دیگر، نقد نتایج غلطی است که ایشان استنباط کرده‌اند. در ضمن، این قبیل دسته‌بندی‌ها شاید در برخی تحقیقات به ارتقای کیفیت پژوهش کمک کند، اما در بسیاری از موارد - و از جمله در این کتاب - کمکی به ارتقای کیفیت نمی‌کند؛ بلکه فقط شاید ظاهر کار را بهتر کند؛ اما عوارض و مشکلاتی را نیز در پی دارد و مقصود من در این کتاب، نقد تعدادی از روش‌ها و

پیشگفتار

نگرش‌هایی است که مبتنی بر سطحی‌نگری است؛ و این کتاب بدون دسته‌بندی مطالب نیز، مقصود را فراهم می‌کند؛ و به تعبیر حضرت حافظ همین "زلف آشفته" سبب جمعیتِ خاطر است.<sup>۱</sup> البته، هر جا که ضرورت داشته باشد که نکته‌ای مقدم شود، و هر جا که بیانِ نکته‌ای پیش‌نیازِ بیانِ نکته‌ای دیگر باشد، حتماً این کار انجام می‌شود.

---

<sup>۱</sup> درخلاف آمد عادت بطلبِ کام که من \*\*\*\* کسبِ جمعیت از آن زلفِ پریشان کردم